

## **The symbolic function of colors and words in the female writing of "Zeinab Habash" [In Persian]**

**Amin nazari terizi <sup>1\*</sup>, Ali Asghar Ravanshad <sup>2</sup>, Behnam Farsi <sup>3</sup>**

<sup>1</sup> PhD in Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Isfahan University, Isfahan, Iran

<sup>2</sup> Assistant Professor of Arabic Department, Faculty of Literature and Humanities, Yazd University, Iran

<sup>3</sup> Assistant Professor of Arabic Department, Faculty of Literature and Humanities, Yazd University, Iran

**\*Corresponding author:** aminaminnazari1369@yahoo.com

**DOI:** 10.22034/JLTLL.2021.528531.0

*Received:* 03 Sep, 2021

*Revised:* 08 Sep, 2021

*Accepted:* 22 Sep, 2021

### **ABSTRACT**

Many scholars, particularly social linguists, place a strong emphasis on how society and the environment influence how languages change through time. They contend that the social and institutional language of the military is influenced by culture, which responds to extralinguistic and environmental elements. Gender is examined as an extralinguistic component in connection to language creation in addition to aspects including the environment, social structure, attitudes, and values. Color is unquestionably one of the most crucial and successful components in the construction of literary works. Poets utilize color to communicate high-frequency abstract ideas to their audience. Among them is "Zeinab Habash," a poet of the Palestinian resistance who experienced the hardships of his time and wrote poetry to capture the freedom, suffering, and anguish of the Palestinian people. The interpretation of color in this poet's poetry and the identification of its uses appear crucial and imperative since the color is one of the symbolic aspects of current poetry and one of the essential elements of imagination. Therefore, the aim of this descriptive-analytical study is to investigate the role of colors and words in communicating sustainability concepts in the female writing of "Zeinab Habash" and to explain the qualitative and quantitative use of colors in her poems. The use of the element of color is an expression of the difference between this poet and other Palestinian female speakers. As far as the ratio of the positive use of colors to their negative usage is practically twofold and represents the optimistic thinking of the poet Zainab Habash; colors are frequently used to create positive notions. He employed the primary colors of red, black, green, white, and yellow; however, he avoided using blue in any form since he despises and does not regard the occupiers, who are represented by this color. Despite their low frequency, the two shades of wheat and silver have a very specific purpose in the poet's paintings and have given them fresh color and gloss.

**Key words:** Palestinian Poetry, Zeinab Habash, Women's Writing, Literary Function of Color

## کارکرد نمادین رنگ‌واژه‌ها در نوشتار زنانه «زینب حبش»

امین نظری تریزی<sup>۱\*</sup>، علی اصغر روانشاد<sup>۲</sup>، بهنام فارسی<sup>۳</sup>

۱. دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۲. استادیار گروه عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه یزد، ایران

۳. استادیار گروه عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه یزد، ایران

\*نویسنده مسئول مقاله Email: aminaminnazari1369@yahoo.com

DOI: 10.22034/JLTL.2021.528531.0

پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۳۱

اصلاح: ۱۴۰۰/۰۶/۱۷

دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۲

### چکیده

بسیاری از پژوهشگران بخصوص زبان شناسان اجتماعی، بر نقش محیط و جامعه در شکل‌گیری دگرگونی‌های زبان تأکید دارند. از نظر آنها، زبان نهادی اجتماعی و نظامی وابسته به فرهنگ است که به عوامل محیطی و برون‌زبانی واکنش نشان می‌دهد. افزون بر متغیرهایی چون عوامل محیطی، ساختار اجتماعی و نگرش‌ها و ارزش‌ها، جنسیت نیز به عنوان عاملی برون‌زبانی در رابطه با شکل‌گیری زبان بررسی می‌شود. بی‌تردید، یکی از مهم‌ترین عناصر مؤثر در آفرینش آثار ادبی، رنگ می‌باشد که شاعران با استفاده از این عنصر، مفاهیم انتزاعی پربسامدی را به مخاطب خود القا می‌کنند. از جمله این سخن‌سرایان، «زینب حبش» شاعر مقاومت فلسطین است که با واقعیت‌های عصر خویش زیسته و آزادی‌خواهی، مصیبت و دردهای مردم فلسطین را به زبان شعر بیان کرده است. از آنجا که عنصر رنگ، یکی از اجزای مهم صور خیال و از عناصر نمادین شاعران معاصر می‌باشد، تفسیر آن در شعر این شاعر در کنار کشف موارد کاربردی آن، امری مهم و ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین، هدف از این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی به نگارش درآمده، بررسی کارکرد رنگ‌واژه‌ها در انتقال مفاهیم پایداری در نوشتار زنانه «زینب حبش» و تبیین کاربرد کیفی و کمی رنگ‌ها در اشعار وی و بیان تفاوت این شاعر با دیگر بانوان سخن‌پرداز فلسطینی در بکارگیری عنصر رنگ است. زینب حبش غالباً از رنگ‌ها برای القای مفاهیم مثبت استفاده

نموده؛ تا آنجا که نسبت کاربرد مثبت رنگ‌ها به کاربرد منفی آن‌ها تقریباً دوبرابر و بیانگر مثبت‌اندیشی شاعر است. او از میان رنگ‌های اصلی، به ترتیب فراوانی از رنگ‌های سرخ، سیاه، سبز، سفید و زرد استفاده کرده اما به هیچ وجه، از رنگ آبی بهره نبرد؛ زیرا به این رنگ، نگاهی منفی دارد و آن را نماد اشغالگران می‌داند که از آنان متنفر است و موجودیتی برایشان قائل نیست. دو رنگ گندمی و قره‌ای علی‌رغم بسامدی اندک، کارکردی بسیار دقیق در نگارگری شاعر داشته و رنگ و لعابی تازه به تابلوهای شعری وی بخشیده‌اند. واژگان کلیدی: شعر فلسطین، زینب حبش، نوشتار زنانه، کارکرد ادبی رنگ.

#### ۱. مقدمه

رنگ‌ها ظرفیت انتقال پیام‌های اجتماعی، فرهنگی، دینی و حتی سیاسی را در قالب رمز، کنایه و واقعیت را به مخاطبان خود دارند. یکی از حوزه‌های قابل توجه برای پژوهشگران در زمینه‌های معناشناختی شناختی، تحلیل و بررسی رنگ‌واژه‌ها با توجه به معانی مختلف آن‌هاست. رنگ واژه‌ها در زبانه‌های مختلف متفاوت‌اند و زبان‌ها در تعداد و گستره رنگ‌واژه‌های اصلی با هم تفاوت دارند. (اسکندرنیا و همکاران، ۱۳۹۷: ۲). "برلین و کی" بر آن عقیده‌اند که رنگ‌واژه‌های اصلی عبارت‌اند از: سفید، سیاه، قرمز، سبز، زرد، آبی، قهوه‌ای، ارغوانی، صورتی، نارنجی، خاکستری (صراحی، ۱۳۹۳: ۹۸). در این میان شاعران از رنگ‌ها، در جهت خلق تصاویر شعری، ارائه مفاهیم انتزاعی و ذهنی و ایجاد فضای نمادین استفاده کرده‌اند. «زینب حبش» یکی از شاعران مقاومت فلسطین است که هم‌سو با فعالیت‌های سیاسی، به سرودن اشعار حماسی و پایداری پرداخت. وی برای بیان مفاهیم، اندیشه و آرمان‌های خود به بیان نمادین رنگ اقدام کرد تا از این رهگذر، وضعیت مردم ستمدیده فلسطین را به تصویر کشد. از آنجا که شاعر مورد پژوهش، یک زن است، باید به این نکته توجه داشت که می‌توان تفاوت کارکرد رنگ‌ها در اشعار او با یک مرد را ذیل نظریه «نوشتار زنانه» مورد بررسی قرار داد؛ در این نظریه، اعتقاد بر آن است که زنان و مردان، روحیات و

خلقیات متفاوتی دارند و می‌توان بر این اساس تفاوت‌های نوشتاری این دو جنس را بررسی کرد. (نیک‌منش و برجی‌خوانی، ۱۳۹۲: ۲۳۲).

وجوه تمایز نوشتار زنان با مردان عبارتند از: واژه‌های متعلق به حوزه زنان، اقلام و صورت‌ها و واژه‌های عاطفی آنان، تعدد شخصیت‌های زن، رنگ‌واژه‌ها، جزئی‌نگری، نشانه‌های فرازبانی، جملات پرسشی حدیث نفسی و میانگین واژه‌های جملات (خوش‌قدم و دیگران، ۱۳۹۶: ۹۶).

#### ۱-۱. اهداف و سؤالات پژوهش

این پژوهش درصدد است تا از میان ویژگی‌های زبان زنانه، صرفاً به بررسی رنگ‌واژه‌ها و تأثیر جنسیت شاعر در گزینش رنگ‌ها، تعداد، کاربرد و تنوع آن‌ها بپردازد و به شیوه توصیفی-تحلیلی، بر پایه آمار و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و دیوان‌های شعری «زینب حبش» به این موضوع پرداخته و به سؤالات زیر پاسخ دهد:

۱. «زینب حبش» برای تبیین مفاهیم پایداری از چه رنگ‌هایی استفاده کرده است؟
۲. کاربرد کیفی و کمی رنگ‌ها در نوشتار زنانه این شاعر چگونه است؟
۳. «زینب حبش» در مقایسه با دیگر سخن‌سرایان زن فلسطینی از رنگ‌واژه‌ها در چه راستایی بهره برده است؟

در این مقاله، نویسندگان قصد ندارند تا این شاعر را از طرفداران فمینیسم به شمار آورده و آن را اثبات کنند و استفاده از عنوان «نوشتار زنانه»، صرفاً به جهت زن بودن شاعر و استفاده او از رنگ‌واژه‌ها به عنوان یکی از خصیصه‌های نوشتار وی است.

#### ۱-۲. پیشینه پژوهش

در حوزه شعر پایداری فلسطین با تکیه بر اشعار «زینب حبش»، پژوهش‌هایی به صورت مقاله و پایان‌نامه انجام پذیرفته؛ از جمله: «لینا جمال زکریا الطریفی» در پایان‌نامه «الشاعرة زینب حبش» (۱۹۹۴) به منابع شعری «زینب حبش» و موضوعات سروده‌های وی پرداخته است. «یحیی زکریا الأغانی» در مقاله

کارکرد نمادین رنگ‌واژه‌ها در نوشتار زنانه «زینب حبش»

---

خود با عنوان «قصيدة عربية حارة من فلسطين» (صحيفة الوطن القطرية: ۱۹۹۸)، ویژگی‌های آثار شعری زینب حبش را با نگاهی گذرا بررسی کرده است. «ریهام محمد ابو زید» در پایان‌نامه خود با عنوان «شعر المقاومة النسائي: دراسة عبر ثقافية مقارنة لأربع شاعرات فلسطينيات وايرلنديات» (۲۰۰۸) شعر مقاومت در آثار چهار شاعر زن فلسطینی از جمله «زینب حبش» را با آثار چهار شاعر زن ایرلندی مقایسه کرده است. احمدرضا صاعدی و دیگران در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل تطبیقی درون‌مایه‌های مقاومت در اشعار طاهره صفارزاده و زینب عبدالسلام عبدالهادی حبش» (۱۳۹۳) با رویکرد تطبیقی به تحلیل و بررسی جلوه‌های پایداری از جمله شهید، مبارزه، رهبری مبارزه و دشمن در اشعار دو شاعر اقدام کرده‌اند. عزت ملّا ابراهیمی و محیا ایبیری قمصری در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیل گفتمان انتقادی اشعار زینب حبش» (۱۳۹۵) با استفاده از الگوی فرکلاف و بر اساس رویکرد اجتماعی به تحلیل گفتمان انتقادی اشعار «زینب حبش» پرداخته‌اند. علی رغم وجود پژوهش‌های فوق، تاکنون پژوهشی به صورت اختصاصی، نوشتار زنانه این شاعر و کارکرد نمادین عنصر رنگ در آثار وی را بررسی نکرده است.

## ۲. نوشتار زنانه

بسیاری از پژوهشگران بخصوص زبان‌شناسان اجتماعی، بر نقش محیط و جامعه در شکل‌گیری دگرگونی‌های زبان تأکید دارند. از نظر آنها، زبان نهادی اجتماعی و نظامی وابسته به فرهنگ است که به عوامل محیطی و برون‌زبانی واکنش نشان می‌دهد. متغیرهایی چون عوامل محیطی، ساختار اجتماعی، نگرش‌ها و ارزش‌ها، در بحث عوامل برون‌زبانی مورد توجه‌اند (یول، ۱۳۸۵: ۱۱۴) و هر یک از این عوامل بر تفاوت‌های زبانی دامن می‌زنند. افزون بر تفاوت‌های طبقاتی، اقتصادی و فرهنگی، جنسیت نیز به عنوان عاملی برون‌زبانی در رابطه با شکل‌گیری زبان بررسی می‌شود و «ویلیام اوگریدی» و همکارانش، بحث زبان و جنسیت را در معانی گسترده به کار برده‌اند. آنچه در این تقسیم‌بندی بیشتر مورد پذیرش است، «تفاوت جنسیتی ترجیحی» می‌باشد که در بسامد نسبی استفاده زنان و مردان از عناصر مشخص می‌شود. به طور مثال زنان انگلیسی زبان، بیش از مردان از واژه‌هایی چون *Lovely, nice* استفاده می‌کنند و می‌توان

به این نتیجه رسید که انگلیسی زبان‌ها تفاوت جنسیتی ترجیحی دارند. همچنین در آمریکای شمالی نیز زنان در مقایسه با مردان، از اصطلاحات متنوع‌تری برای رنگ‌ها استفاده می‌کنند. (اوگریدی و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۴۱) گرایش‌های زبان‌شناسی انتقادی و اجتماعی، اغلب با پیش‌فرض تفاوت‌های جنسیتی، نژادی، طبقاتی و ... در شیوه استفاده از زبان گویندگان، به بررسی این تفاوت‌ها در متون و گفتار می‌پردازند و بر این باورند که زبان، تابع شرایط بیرونی خود است و به شیوه‌های متفاوتی از سوی گروه‌های مختلف اجتماعی به کار گرفته می‌شوند و از نظر آنها، زبان زنانه و مردانه از یکدیگر قابل تمییز است. (فیاض و رهبری، ۱۳۸۵: ۴۶). در این مقاله، با پیش‌فرض وجود تفاوت کارکرد رنگ‌ها در نظر زنان و در پاره‌ای از موارد؛ به تحلیل اشعار این شاعر مقاومت پرداخته می‌شود.

### ۳. بحث و بررسی

در این بخش ابتدا دلالت‌های هر رنگ در اشعار پایداری زینب حبش استخراج می‌گردد و در نهایت تفاوت دلالت هر رنگ در اشعار این شاعر زن نسبت به دلالت همان رنگ در سروده‌های دیگر بانوان قلم فرسای فلسطینی، بررسی می‌گردد.

#### ۳-۱. رنگ سرخ

این رنگ، از رنگ‌های اساسی و رنگی گرم به شمار می‌آید که هر دو مفهوم مثبت و منفی را داراست و نوعی خشونت را در خود نهفته دارد. «عملیات مربوط به حمله یا پیروزی، با رنگ قرمز نشان داده می‌شود. سیستم عصبی را تحریک می‌کند؛ یعنی فشار خون را بالا برده و ضربان قلب را سریع‌تر می‌کند» (لوشر، ۱۳۸۶: ۲۴). در فرهنگ و عرف ایرانی نیز رنگ سرخ، نشانه شهادت و خون‌دادن در راه حق است (نیکویخت و قاسم‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۱۵).

زینب حبش در چکامه «صوت الثّورة» که درباره مبارزان فلسطینی و وطن سروده، رنگ سرخ را نمادی از ایثار و شهادت قرارداده و با ساخت ترکیب آزادی سرخ «الحریة الحمراء» ایثار، جان فشانی و شهادت فلسطینی‌ها برای تحقق آزادی را بیان کرده است:

کارکرد نمادین رنگ‌واژه‌ها در نوشتار زنانه «زینب حبش»

«... / وأَعْبُدُهَا / وَأَعْبُدُهَا / بِلَادِي حُلُوَّةِ الْبُلْدَانِ / وَأَنْتُمْ حَوْلَ مِعْصِمِهَا / سَوَارٌ مِنْ دَمِ أَحْمَرَ / يُزِينُهَا /  
وَبِالْحُرِّيَّةِ الْحَمْرَاءِ يَرَوِيهَا» (حبش، ۱۹۹۷: ۳۸).

بررسی واژگان همنشین در اشعار «زینب حبش» گامی برای درک زیبایی شناسانه کارکرد رنگ‌ها می‌باشد؛ تشبیه مخاطبان به النگوهای از جنس خون که زینت بخش پیکره سرزمین است، تصویری می‌باشد که امکان دارد یک شاعر مرد به آن نیندیشد. اما «زینب حبش» با ذکر دو واژه «مِعْصَم» و «يُزِينُهَا» که بر آداب و رسوم زنان عرب در نقش و نگارین کردن دست‌هایشان دلالت دارد، فضایی با غلبه خوی زنانه را توصیف کرده و در همین فضا، دلالت رنگ سرخ را به مخاطب القا می‌کند.

در چکامه «ایفا شتال» او به صورت ضمنی، از رنگ سرخ استفاده نموده و تپه‌های صخره‌ای خونین‌رنگ را نمادی از خیزش و انقلابی می‌داند که در چشمان سبز «ایفا شتال 1» مشاهده می‌کند:

«أَلْمُخِّ فِي عَيْنِكَ الْخَضْرَاءِ / غَابَاتِ نَخِيلٍ بَاسِقَةٍ / وَتَلَالِ صَخُورٍ وَرْدِيَّةٍ» (حبش، ۱۹۹۴: ۵۳).

او از جهت اثبات تمدن، پویایی و رشد فلسطین از عبارت «عَيْنِكَ الْخَضْرَاءِ» بهره جسته و برای فلسطین چشمانی سبز در نظر گرفته که نخل‌های استوارش هنوز پابرجا هستند و در کنار آن‌ها صخره‌هایی وجود دارند که استواری و عظمتشان را از خون شهیدان گرفته‌اند. آوردن صفت «وَرْدِيَّةٍ» به جای «حَمْرَاءِ» در این عبارت، یادآور این موضوع است که خون شهیدان، سبب رشد گل‌های سرخی بر آن صخره شده تا با رنگ سبز چشم وطن، باغی را تشکیل دهد. او با تزریق رنگ سرخ، خشونت و سرسختی صخره را که نمادی از استواری رزمندگان است را تلطیف نموده و با سایر عناصر این تصویر زیبا هماهنگی ایجاد کرده است.

«زینب حبش» در شعر «صوت الأرض» که به شهدا تقدیم نموده، از «رنگ سرخ» به عنوان سمبل شهادت و ایثار بهره برده و برای توصیف شهید و شهادت از نماد «گل سرخ» استفاده نموده که رمز زخم‌های شهیدان هویت بخش به فلسطینیان است. رنگ سرخ با بیشترین کاربرد در شعر «زینب حبش»، نماد ایثار، شهادت، جنبش، قیام و خون مبارزان فلسطینی است که برای تحقق آزادی سرزمین خود برمی‌خیزند و به

شهادت می‌رسند. اما اغلب ادبای زن فلسطینی، از این رنگ برای تبیین مفاهیم دیگری از جمله «خجالت کشیدن» استفاده کردند؛ «سحر خلیفه» اینگونه از رنگ سرخ بهره برده: «أحمر وجهه حتی صار بلون الشّمندر» (خلیفه، لا تا: ۲۵)، «عصبانیت»، از دیگر مفاهیمی است که بانوان فلسطینی از این رنگ برای بیان آن بهره جسته و «لیلی الأطرش» اینگونه آن را ذکر کرده: «و عیناه حمرأین ضاقتا بعصیة» (الأطرش، ۱۹۸۸: ۶۹). «رجاء بکریة» از این رنگ برای بیان مفهوم «دوست داشتن» استفاده کرده است: «غزلُ التّنکیل صناعةٌ مقصودةٌ علی أوردة القلوب الحمراء فی صدورِ النساءِ» (بکریه، ۲۰۰۷: ۳۲۳). این رنگ توسط «فدوی طوقان» برای بیان مفهوم «ظلم و شرارت» استفاده شده و وی آن را صفتی برای قابیل می‌داند. «قابیلُ الأحمر فی کلّ مکان، قابیلُ یدقُّ علی الأبواب» (طوقان، ۱۹۹۳: ۴۶۲) اما «زینب حبش» برای اثبات تعهد خود به مبانی ادبیات پایداری از این رنگ به شیوه‌ای متفاوت استفاده نموده است.

### ۲-۳. رنگ سیاه

رنگ سیاه بیانگر نومیدی محض و عاملی برای افزایش روحیه افسردگی است که به سکون و کاهش فعالیت جسمی منجر می‌شود. (پورحسینی، ۱۳۸۲: ۸۳) بنا به نظر «الزّواهره»، رنگ سیاه علاوه بر ظلم، معنای استبداد و قهر را نیز در بر دارد (الزّواهره، ۲۰۰۸: ۱۵۸). در اشعار «زینب حبش» این رنگ و متعلقاتش با ۴۰ بار کاربرد نمود چشمگیری دارد: او با آوردن صفت «السوداء» در سروده «الشمس التي تنفث السمّ»، اوج غم و اندوه خود را به خواننده القا می‌کند. این رنگ به صورتی نمادین، بیانگر ناامیدی، سلطه اشغالگران و ظلم و ستم آنان است. او با بیان ترکیب «ردای سیاه» ضمن نمایش شدت اندوه خود، عمق جنایات دشمن، ظلم آنها و فضای تاریک جامعه را به تصویر می‌کشد:

«أيتها الشمسُ الرّعاءُ/ یا من حرقتِ أفئدةِ النّاسِ البسطاء/ یا من تلتفتُ جبالَ مَسانقِها/ حوّلَ رقابِ الأطفالِ/ وتلفُ عباةَها السّوداءُ/ علی الماضي والحاضرِ والمستقبلِ» (حبش، ۱۹۹۴: ۲۱).



کارکرد نمادین رنگ‌واژه‌ها در نوشتار زنانه «زینب حبش»

«عباء» در عبارت «عباءتها السوداء»، پوششی است که برخی از زنان، آن را بر سر می‌کنند. شاعر نیز برای اشاره به سیه‌روزی مردم و تبیین نابودی گذشته، حال و آینده سرزمین خود از این واژه استفاده می‌کند که در قاموس مردان، جایی ندارد. استفاده او از این کلمه به دلیل ذهنیت زنانه‌اش و اطلاق این پوشش به عنوان یک ابزار مورد استفاده برای بانوان است نه برای به چالش کشیدن نقش چادر در حجاب.

«زینب حبش» در چکامه «الجرح الفلسطيني ویراعم الدّم» برای بیان مفاهیم نمادین خود از سه رنگ سفید، سیاه و قرمز بهره برده است:

«مَنْ يُسِينِي الْأَيَّامَ الْبِيضَاءَ / وَالْأَيَّامَ السُّودَاءَ / مَنْ يُسِينِي الْعَقْدَ الْأَسْطُورِي / الْمَتَّفِرْفُطَ فِي الْبِرَكِ  
الْحَمْرَاءِ؟!» (همان: ۴۳)

شاعر در این قطعه، از ترکیب رنگ‌ها استفاده می‌کند و تاریخ پرفراز و نشیب خود را همچون تابلویی می‌داند که سه رنگ سفید، سیاه و قرمز آن را پوشانده است. او ابتدا از گذشته درخشانش سخن می‌گوید و ضمن پرداختن به تلخ‌ترین حوادث آن بیان می‌دارد که این سرزمین، مهد اسطوره‌ها بوده که با یکدیگر ارتباط داشتند؛ اما اکنون حلقه وصل آن‌ها پاره شده و جدای از یکدیگر در این برکه‌های خونین غرق شده‌اند و این برکه‌ها همان مصیبت‌هایی است که فلسطین را در خود فرو می‌برند. شاعر با استفاده از واژه «عقد»، از زبان زنانه خود استفاده کرده همچنین از تضاد رنگ‌ها بهره جسته و می‌گوید که شادی‌ها و مصیبت‌ها باید در کنارهم قرار داده شوند و نباید نگاه صرف به آنها داشت. شاید این شیوه، در تصویرگری تابلوی فلسطین، نشان از جزئی‌نگری رایج زنانه باشد که به کنجکاو‌های خاص زنان و زیبایی‌شناختی و بینش مینیاتوری آنان مربوط می‌شود. (اسحاقیان، ۱۳۸۵: ۳۱)

«حبش» در قصیده «الدّم الفلسطيني» از معنای نمادین رنگ سیاه، با واژه «اللّیل» بهره می‌برد و آن را، رمزی از ظلمت، اندوه و عذاب خود و مردم فلسطین می‌داند:

«دمکم یصیر مواكباً / نغماً / وألواناً / تزین دربنا المفروش ألغاماً ونار / دمکم یطرّز / من اللّیل والأحزان /  
أغنية النهار.» (حبش، ۱۹۹۳: ۲۶)

این شاعر برای بیان این مفهوم با استفاده از «شب» در معنای مصیبت و اندوه، از فعل «یطرز» استفاده می‌کند که غالباً در فرهنگ زنانه کاربرد دارد. او می‌خواهد به این موضوع اشاره کند که خون شهدا به هدر نخواهد رفت بلکه سبب تبدیل روزهای سختی و اندوه به روزهای خوش خواهد شد و پس از پیروزی، رگه‌های خون ریخته شده شهدا زینت‌بخش تابلوی زندگی بازماندگان خواهد شد تا فراموش نکنند که چه کسانی آرامش را برای آنان به ارمغان آورده‌اند. «زینب حبش» همگام با بسیاری از نویسندگان زن، با بهره‌گیری از حس زنانه خویش، روایتگر تجربه‌های مشترک یک خرده‌فرهنگ خاص در قلمرو عمومی مردانه است و کانون گفتمان‌هایی که در این خرده فرهنگ‌های زنانه زاده می‌شود، حاوی مسائلی جدا از مسائل مردانه است اما آثار نویسندگان زن، چشم انداز مؤثرتی را ارائه می‌کند که از زندگی عینی و واقعی زنان برگرفته شده است. (نجم عراقی و دیگران، ۱۳۸۲: ۳۸۰)

رنگ سیاه و متعلقات آن در اشعار «زینب حبش» مطابق با ویژگی‌های روان‌شناسی خود معمولاً دارای دلالت‌های منفی است، و در مواردی اندک، که شاعر قصد دارد به هویت و نژاد هموطنان خود اشاره کند، دلالت مثبت دارد. اما در آثار دیگر نویسندگان زن فلسطینی، از رنگ سیاه برای بیان مفاهیم دیگری نیز استفاده شده؛ همچون مفهوم «نگرانی و ترس کشنده» که «لیانه بدر» از آن استفاده نموده: «علشان تَدَوِّقینی الرَّعْبَةَ السَّوْدَاءَ» (بدر، ۱۹۸۰: ۱۳۱) اما «زینب حبش» به دلیل اینکه مقاومت و جنگیدن از مفاهیم مورد تأکید اوست، قصد ندارد تا از رنگ سیاه برای نشان دادن ترس فلسطینیان استفاده کند. مفهوم دیگر «نفت» است که «لیلی الأطرش» برای اشاره بدان از این رنگ استفاده نموده: «لكن الرَّمَالُ وحدة تفجرت بالنعمة السوداء» (الأطرش، ۱۹۸۸: ۳۸). مفهوم دیگری که برای بیان آن از این رنگ استفاده شده، «زیبایی چشمان» می‌باشد که «رجاء بکریه» برای نشان‌دادن آن، از این رنگ بهره برده است «رأيت عينيها السوداوين تُشربيني من بعيد وتودع غياي ثم تراجع بحذر» (بکریه، بی تا: ۵۴). «فدوی طوقان» نیز از این رنگ برای نشان دادن میزان تأثیر حیرانی خردسوز بر فکر و اندیشه خویش استفاده کرده «حيرة حائرة كم خالطت ظني و هجسي، عكست ألوانها السود على فكري و حسي» (طوقان، ۱۹۹۳: ۱۳). اما این دو

مفهوم برای «زینب حبش» موضوعیتی ندارد؛ زیرا مفاهیم بلند مدنظر شاعر، اجازه پرداختن به مفهوم اول (زیبایی) را نمی‌دهد و وی قصد ندارد که مبارزان را به صفت حیرانی وصف کند.

### ۳-۳. رنگ سبز

رولاند هانت، معتقد است که «سبز، رنگ طبیعت، رنگ نیروی تعادل، رنگ پیشرفت ذهنی و بدنی است. سبز، نشان هماهنگی و اثر خوشایند به دستگاه عصبی است.» (هانت، ۱۳۷۸: ۸۱) سبز، رنگ روستا، درختان و چمنزار، آرامش بخش‌ترین رنگ، رنگ طبیعت در حاصل‌خیزترین وقت آن، رنگ تولید مثل و در نتیجه، رنگ عشاق است. (دی و تایلور، ۱۳۸۷: ۷۰). سبز از نظر «زینب حبش»، رنگی کاملاً مثبت است که در اشعارش ۳۱ بار ذکر شده و نقش ویژه‌ای در آفرینش تصاویر دارد؛ این رنگ در رساندن پیام پای‌مردی و استقامت در راه هدف و یادآوری زیبایی‌های فلسطین نقش ایفا می‌کند. او در سروده «حالة ولادة متداخلة» ترکیب بدیع «مطر أخضر» را به صورتی هنرمندانه آورده است؛ این ترکیب، آینده شکوفا و روشنی را ترسیم می‌کند که شاعر منتظر آن است.

«وغيوم الحزن صارت / مطراً أخضرَ يروي الليل / أحلاماً وأعراساً» (حبش، ۱۹۹۳: ۶۸).

زینب حبش برای باران، رنگ سبز را انتخاب کرده که قرار است با خلق رؤیاها و عروس‌ها، این وضعیت نابسامان را سامان بخشد. مخاطب در این مثال، از یک سو با ترکیب رنگ‌ها روبرو است: «غیوم الحزن (سیاه) + مطراً أخضر باران (سبز) + اللیل (سیاه) + أعراس (سفید)» که شاید معنای «پایان شب سیه، سپید است» استنباط شود و از سویی دیگر، با انتخاب رنگ سبز برای باران توسط نویسنده مواجه می‌شود؛ باران، رنگ شفاف دارد و غالباً باران‌های غیرشفاف، دلیلی بر وجود یک مشکل است، اما شاعر، این قاعده را دگرگون کرده تا کارکرد باران را برای نجات فلسطینیان بداند. این‌گونه تخصیص و ترکیب رنگ‌ها، زابیده اندیشه زنی است که با آوردن واژه «عروس‌ها» و رنگ آمیزی باران با رنگ سبز، ردپایی غیر قابل حذف از خود به جا گذاشته است؛ زیرا «رنگ سبز، به مثبت‌اندیشی تمایل دارد و بیانگر تجدّد و نمو است» (عمر، ۱۹۹۷: ۱۸۵) «فدوی طوقان» نیز برای بیان این مفهوم از رنگ سبز بهره گرفته و بر این باور است که

فلسطین بار دیگر، خواهد توانست رشد و پویایی خود را از سر گیرد: «مفتوحاً كان الباب هنا والزيتونة الخضراء تسامت فارغة تحتضن البيت.» (طوقان، ۱۹۹۳: ۳۴۱)

«زینب حبش» با تعبیری زیبا، سبزی رنگ را به لبخند نسبت داده و تأثیرگذاری، احیاگری، راستی و امید به آینده فلسطین را در قالب لبخندی سبز مجسم نموده است:

«وَصَوْتُ أُخِي الشَّهِيدِ / يُلْمِلُمُ الدَّمَعَاتِ / يَلِثُمُ جَبْهَةَ الْقَمَرِ / وَيَغْرِسُ بَسْمَةً خَضْرَاءَ / فِي غَمَازَةِ الْقَدْرِ»  
(حبش، ۱۹۹۳: ۱۷).

شاعر برای صدای برادر شهید خود، کارکردهایی قائل است که از آن جمله، رویاندن خنده‌ای ماندگار و شیرین بر چهره غمّاز قدر می‌باشد. اما هر خنده ماندگاری، از عمق وجود، راستین و دلنشین نیست؛ او می‌خواهد خنده‌ای را به مخاطب نشان دهد که دارای ویژگی‌های فوق باشد و برای همین از رنگ سبز استفاده کرده است. شاعر اظهار می‌کند سرنوشت نیز از اینکه خون شهدای ما پایمال نخواهد شد، خوشحال است. «زینب حبش» برای معنا پیدا کردن این تزریق رنگ، از واژه‌های «یلثم» و «غمّاز» بهره گرفته تا تصویر وی، بدون خللی رخ‌نمایی کند و به زیبایی روحیات یک زن را نشان دهد.

«زینب حبش» در چکامه «الشمس التي تنفث السم»، از ترکیب دو رنگ زرد و سبز، استفاده نموده؛ در ترکیب «انامل صفراء» رنگ زرد، رمز پلیدی دشمن می‌باشد که باعث یأس و پژمردگی فلسطینیان شده و رنگ سبز، رمز امید به آینده روشن و سرشار از صلح است که نشان دهنده حرکت و جهت‌گیری روانی شاعر از اضطراب و ناامیدی به سمت سکون، آرامش و امید است.

او مانند سایر سخن‌سرایان فلسطینی برای رنگ سبز معنایی مثبت (امید، آرزو، صلح، آرامش، زایش، رویش، آبادانی و آینده روشن سرزمین فلسطین) را در نظر دارد اما با وجود ارتباط برخی از دلالت‌ها با مفاهیم انقلابی، آن‌ها را ذکر نکرده؛ یکی از دلالت‌ها، «هویت فلسطینی» است که «رجاء بکره» آن را برگزیده: «لكوني غير اسرائيلية أحملُ نُمرة خضراء» (بکره، بی تا: ۱۲۳). مفهوم دیگر، «نیروهای نظامی»

کارکرد نمادین رنگ‌واژه‌ها در نوشتار زنانه «زینب حبش»

است که «لیانه بدر» از رنگ سبز برای توضیح آن استفاده نموده: «رَبِّمَا فِي تَلْكَ الْمَصْفَحَةِ الَّتِي تَعَجَّ بِالشَّبَابِ  
الَّذِينَ يَرْتَدُونَ مَلَابِسَ دَاكِنَةً خَضِرَاءَ.» (بدر، ۱۹۸۰: ۱۷)

۳-۴. رنگ سفید

رنگ سفید، از روشن‌ترین رنگ‌ها، نشانه‌ای از شادی، صلح و صفا و کنایه از پاکی، فضیلت و بزرگواری  
است؛ این رنگ، سمبل صلح و پایان جنگ است. (پهلوان، ۱۳۸۷: ۱۲۷) رنگ سفید رنگی دلنشین است که  
از صفا و روشنی پرده برمی‌دارد. این رنگ، همچون امیدی درخشان در میان تاریکی است که تأثیر بسزایی  
در الهام روحیه صداقت، امانت‌داری، پاکی، بی‌گناهی و اخلاص دارد. (عبود، ۱۹۸۲: ۱۳۷)

«حبش» از رنگ سفید و متعلقات آن از قبیل «روشن»، «شفاف»، و «درخشندگی» ۳۰ مرتبه استفاده  
نموده است. این رنگ در اشعار شاعر فلسطینی سمبل پاکی، روشنی، آزادی، صلح، آرامش، امید و  
معصومیت است. در این سروده، به بیان احساس عمیق و دردناک شاعر نسبت به «رام الله» پرداخته می‌شود  
و با تعبیر «الشَّمْعَةُ الْبَيْضَاءُ»، حوادث غمناک و معصومیت زادگاه و مردمش به تصویر کشیده می‌شود.  
«بَارِيسُ هَلَّا زُرْتِ رَامَ اللَّهِ / تَلْكَ الطَّفَلَةُ الْحَجَلَى الْجَمِيلَةُ / الشَّمْعَةُ الْبَيْضَاءُ / بَيْنَ مَخَالِبِ النَّيرَانِ» (حبش،  
۱۹۹۹: ۳۴).

شاعر از روی جزئی‌نگری و دقت نظر هربار برای وطن خویش رنگی را بر می‌گزیند و این موضوع دلیل  
عنوان ترکیب «الشَّمْعَةُ الْبَيْضَاءُ» است. او این بار برای کشورش رنگ سفید را برگزیده تا بگوید وطنم،  
عروس آتش و پاک و بی‌گناه است که به دست آتش افروزان به خاکستر تبدیل شده. «فدوی طوقان» نیز  
برای بیان معنای «پاکی و خلوص» از همین رنگ استفاده کرده و در شرایط سخت نیز اشعار خویش را به  
پلیدی‌ها نیالوده و بی‌غلّ و غش شعر سروده است: «ما زال في نفسى يومَ الثلوج، أغنيةً بيضاء.» (طوقان،  
۱۹۹۳: ۸۲)

در چکامه «القسم المعطر بالدمع»، طلوع با رنگ سفید وصف شده و با دیدگاه آرمان‌گرایانه شاعر که  
تبلور بازگشت به وطن است، قرین شده تا بر خوشبختی و سعادت دلالت کند.

«سَاعِيشُ / سَاعُودٌ / مِنْ فَوْقِ الْجِسْرِ أَعُوذُ / مِنْ تَحْتِ الْجِسْرِ أَعُوذُ / بِدَمِي وَبِلَحْمِي وَبِعَظْمِي / سَأُضْمُّ  
الْفَجَرَ الْأَبْيَضَ» (همان: ۳۶).

او برای سپیده دم رنگ سفید را برگزیده اما اگر امیدی به پیروزی نداشته باشد، نمی‌تواند در انتظار فجرى روشن باشد و فجرى سیاه و ظلمانی را در نظر می‌آورد که در این صورت متناقض نمای زیبایی شکل می‌گرفت. شاعر برای رسیدن به این آزادی، مقدماتی را تصور می‌کند و می‌گوید که انجام این کار، به راحتی ممکن نیست، بلکه باید با تمام وجود (خون، گوشت و استخوان) در این راه تلاش کرد. شاعر برای درآغوش گرفتن آزادی، از فعل‌هایی با ریشه «حَضَنَ» بهره نگرفته؛ شاید علت آن باشد که میزان وابستگی و پیوند موجود در واژه «ضَمَّ»، در واژه «حَضَنَ» قابل مشاهده نیست که می‌تواند برگرفته از روحیه لطیف و زنانه وی باشد.

شاعر فلسطینی در سروده «أغنية ووعده» کوشیده از تمام ظرفیت‌های طبیعی و اسطوره‌ای و جلوه‌های نمادین این رنگ برای خلق تصاویری زیبا بهره بگیرد. در این سروده، کلمه «النَّاصِع» که از متعلقات رنگ سفید است، مظهر امیدی است که در وجود شاعر موج می‌زند. وی در چکامه زیر قصد دارد، امید زیادی را در وجود فلسطینیان بیافریند و در شعر خود بسیاری از نشانه‌های امیدواری از قبیل «ایزیس» نماد آبادانی، «قلبي النَّاصِع» نماد قلب سرشار از امید و «أقمار» نماد آزادی و امید به آینده روشن را آورده است:

«إيزيسُ / يا إيزيسُ / مِنْ شَعْرِي الطَّوِيلِ / غَزَلْتُ جِيتاراً / مِنْ قَلْبِي النَّاصِعِ يا إيزيسُ / رَسَمْتُ أَقْهَاراً»  
(همان: ۵۴).

او به دو صورت، ردّ پایی از زنانگی خویش به جا گذاشته است؛ ابتدا، با عبارت «غَزَلْتُ جِيتاراً» بیان می‌دارد که با شعر طولانی خویش، گیتاری ساخته که نوایش به گوش دیگران برسد. وی، برای ساختن این گیتار از فعل «غَزَلَّ» استفاده می‌کند که غالباً به زنان اسناد داده می‌شود. همچنین با ظرافت زنانه‌اش، میان «القلب الأبيض» و «القلب النَّاصِع» تفاوت قائل شده و بیان می‌کند که برای ساختن ماهی تابان بر فراز شب‌های تاریک فلسطین، باید دلی شفاف داشت که تنها جایگاه اهداف انقلابی است.

«زینب حبش» چون سایر نویسندگان زن فلسطینی، این رنگ را نمادی برای پاکی، معصومیت، آبادانی، امید به آزادی و رهایی سرزمین فلسطین از دست اشغالگران می‌داند. اما «تسلیم» یکی از مفاهیمی است که برای این رنگ در نظر گرفته شده و «رجاء بکریه» برای بیان آن، از این رنگ استفاده نموده: «أرفعُ الرّايةَ البيضاءً... أنا غيرُ مهَيّأةٍ لاستجوابٍ من أيّ نوع.» (بکریه، ۲۰۰۷: ۱۰۹) «یاس و ناامیدی» مفهوم دیگری است که «نبال قدس» برای نشان دادن آن از عبارت «الغيم الأبيض» استفاده نمود: «وأنا أعرفُ أنّ الحكایاتِ الّتی أُنقلنا بها الغيمَ الأبيضَ لن تُمطرَ علينا.» (قدس، ۲۰۱۴: ۹) مفهوم دیگر «بی طرفی» است که «بشری ابوشرار» از این رنگ برای بیان آن استفاده نمود: «کم أفتخرُ فی أكثر من لوحَةٍ... أحطّم اللّوحاتِ البيضاءً وأجعلُ منها قصةَ عاشقٍ أو عاشقةٍ.» (ابوشرار، بی تا: ۱۹). اما «زینب حبش» به دلیل مفاهیم والایی که برای این رنگ در نظر گرفته، نمی‌تواند از آن برای بیان چنین موضوعاتی استفاده کند.

### ۳-۵. رنگ گندمی

شاعر برای یادآوری هویت عربی فلسطینیان و تحریک آنها به بازیس‌گیری هویت سابقشان، از رنگ گندمی بهره گرفته است. گندمی، رنگی است که در اشعار شاعران کاربرد بسیار ناچیز و کمی دارد و همچنین خصائص رنگ زرد را در بردارد (قائمی و صمدی، ۱۳۸۹: ۲۸۳)؛ اما «زینب حبش» در اشعار خود از این رنگ استفاده کرده که به پوست و نژاد عرب و فلسطینیان که گندمی است، اشاره دارد. (محمدحمدان، ۲۰۰۸: ۷۳) وی از این رنگ ۲۲ بار استفاده نموده است و با نمادهای برگرفته از این رنگ، تلاش دارد تا مالکیت خود را بر آنچه از دست رفته، نشان دهد.

گندمی در شعر «قصّة القدس الحزینة» به رنگ پوست فلسطینی‌ها اشاره دارد که به سبب جنایت‌های اشغالگران، بیمارگونه شده. او قصد دارد تا با عبارت «الوجوه الحلوة السّمراء قد صارت سقیمّة» به این موضوع اشاره کند که هویت فلسطین توسط اشغالگران در معرض نابودی است:

«أصدقائي / يا أحبَّ الأصدقاء/ لا تَلُومُونِي إِذَا كُنْتُ حَزِينَةً/ فَأَنَا الحَزُنُ حَمَارِي/ مُذْ غَزَا الأعدَاءُ دَارِي/ وَأَحَالُوا بِلَدِّي الحِضْرَاءُ/ أَطْلَالاً قَدِيمَةً/ دَمَّرُوا فِيهَا الحَيَاةَ/ دَنَسُوا فِيهَا حَارِيبَ الصَّلَاةِ/ وَالوُجُوهُ الحُلُوهُ السَّمْرَاءُ/ قَدْ صَارَتْ سَقِيمَةً..» (حبش، ۱۹۹۷: ۲۰)

این بانوی شاعر همچون دیگر نگارگران زن فلسطینی، این رنگ را دلیلی بر هویت عربی می‌داند؛ «سحر خلیفه» برای توصیف بازرس «الکبیر»، از این رنگ استفاده نموده: «إقترب الكبير ونظر إليها رأت في وجهه معنى الشؤم كان كبيراً، جثته ضخمة، وجه أسمر، شارب أسمر وتنبأت في وجهه تجاعيد سحنه شرقية عربية.» (خلیفه، بی تا: ۱۰۶) اما تفاوت تصویرگری «زینب حبش» با شاعر پیشین، آن است که وی این چهره را زیبا دانسته؛ زیرا قبل از صفت «سمر» از صفت «حلو» استفاده کرده؛ هر چند اعتقاد دارد این چهره‌های زیبای گندمگون، به تباهی گراییده است. چنین دقتی در تصویرگری حتی هنگام توصیف نامالیقات، شاید از نشانه‌های نوشتار زنانه شاعر است که نمی‌تواند شخصیت ریزین و نکته‌سنج خویش را کنار بگذارد.

شاعر در این سروده، از دو ترکیب «فتاتی السمر» و «تربتی السمر» برای بیان مقاصد نمادین خود بهره برده است. وی در ترکیب اول به پوست و نژاد فلسطینیان اشاره می‌کند و در ترکیب دوم، این رنگ به دلیل دلالت سرزمین بر هویت ملی، به هویت فلسطینیانی اشاره دارد که توسط اشغالگران به یغما رفته است:

«قَتَلُوا أَبِي/ ذَبَحُوا صَغِيرِي/ عَدَّ بَوَا ابْنِي الفَتَى/ مِنْ أَجْلِ إِحْلَالِ السَّلَامِ/ وَفَتَاتِي السَّمْرَاءُ/ تَمَثَّيْ بِبَلَا قَدَمِينَ خَلْفَ الجَسْرِ/ أَعْيَاهَا الحَيْنُ/ طُرِدَتْ مِنَ الوَطَنِ الحَبِيبِ/ بِبَلَا رَفِيقِي/ أَوْ صَدِيقِي/ وَإِذَا سَأَلْتُ/ لِمَ اخْتَطَفْتُمْ تَرَبَّتِي السَّمْرَاءَ؟/ وَلِمَ اغْتَصَبْتُمْ بَسْمَتِي/ وَسَعَادَتِي/ مِنْ مُقَلَّتِي؟/ قَالُوا بِلَطْفٍ/ إِنَّهُ/ مِنْ أَجْلِ إِحْلَالِ السَّلَامِ.» (حبش، ۱۹۹۳: ۵۳)

اما گاهی «زینب حبش» این رنگ را در ترکیبی بدیع به کار می‌برد: «یا رفیقی/ إنَّ حَبِي لَكَ/ أَسْمُرٌ» (همان: ۴۴) شاعر در این ترکیب، عشق را به رنگ گندمی می‌بیند تا اصالت عشق خود را بیان کند و بگوید عشقش برگرفته از همین آب و خاک است و تصنعی بودن آن را انکار نماید؛ البته از این رنگ نیز برای



کارکرد نمادین رنگ‌واژه‌ها در نوشتار زنانه «زینب حبش»

نشان دادن تلخکامی‌ها بهره برده: «قَصْتُنَا/ أَغْنِيَةُ شَرْقِيَّةٌ/ حُرُوفُهَا سَمَاءٌ كَالْمَسَاءِ/ أَلْحَائِهَا بَكَاءٌ.» (همان: ۶۸) او با رنگ آمیزی زبان آوازه‌ها با صبغه گندمی این موضوع را بیان می‌کند که زبان قصه آنها الکن گردیده، کارایی خود را از دست داده و نمی‌تواند قصه پر غصه‌شان را بازگو کند. بیان این ترکیب‌های بدیع با استفاده از این رنگ‌ها گویای دقت این شاعر در رنگ آمیزی مفاهیم است.

«زینب حبش» غالباً از این رنگ برای نشان دادن هویت از دست رفته فلسطینیان استفاده نموده؛ اما دیگر زنان شاعر فلسطینی، این رنگ را در مفاهیم دیگری مطرح کرده‌اند که از آن میان، می‌توان به مفهوم «رنج بردن» اشاره کرد و «لیانه بدر» از این رنگ برای بیان این موضوع استفاده نموده: «فَضْلُ الْقِسَامِ، بِرَأْسِ يَكَاد لَا يُذَكَّرُ بِصَلْعَةٍ خَفِيفَةٍ وَمَلَامَحَ سَمَاءٍ مَغْبَرَةٍ وَجَاكِيْتٍ قَدِيمٍ.» (بدر، ۱۹۸۰: ۵۴) با نگاهی به واژه «مغبرة» شاید بتوان گفت که منظور از صفت «سمراء» بی‌توجهی و بی‌عنایتی به این شخصیت‌ها به ذهن متبادر گردد که سبب مغفول ماندن و به حاشیه راندن آنها گشته و زمینه ساز رنج آن‌ها گشته است.

### ۳-۶. رنگ زرد

رنگ زرد، گاهی نماد جدایی و نابودی است و به پاییز و افتادن برگ‌ها از درختان، فریب و دروغ اشاره دارد همچنین رنگ ضعف و نیرنگ نیز به شمار می‌آید. (الزواهرة، ۲۰۰۸: ۱۱۹) این رنگ از جمله کم‌کاربردترین رنگ‌ها در شعر «زینب حبش» است؛ در سروده «قِصَّةُ الْقُدْسِ الْحَزِينَةِ» رنگ زرد، رمزی از حزن، اندوه و پژمردگی شاعر و هموطنانش است. شاعر با جمع بستن این رنگ «دموع صفر» به جای «دموع صفراء» به اوج غم، اضطراب و پژمردگی در روحیه ملت فلسطین، اشاره دارد. شاعر با وجود سفید بودن اشک، اشک‌های فلسطینیان را با رنگ زرد وصف کرده که این تغییر به یک منظور زیبایی‌شناختی است؛ زیرا خود اشک، بر اندوه دلالت دارد و رنگ زرد، تشدید کننده این حزن و اندوه است:

بَلَدِي الْقُدْسُ أَنَا/ وَالْقُدْسُ أَنْعَامٌ حَزِينَةٌ/ وَالذُّمُوعُ الصُّفْرُ نَجَاتُ الْمَدِينَةِ/ لَسْتُ أَدْرِي إِخْوَتِي الْأَحْبَابِ/  
مِنْ أَيْنَ سَأَبْدُ/ قِصَّةَ الْقُدْسِ الْحَزِينَةِ. (حبش، ۱۹۹۴: ۲۱)

در تصویرگری اشک نوعی ساختارشکنی به چشم می‌خورد؛ شاعر در سراسر عبارت بالا، نغمه‌ای غم‌انگیز سر می‌دهد و سعی می‌کند تا متناسب با آن فضای دردناک، اشکی زرد رنگ بیارد که نشان دهنده شدت و فراگیری مصیبت و فرسوده شدن مردم این سرزمین است؛ بحدی که خزان سایه‌افکننده بر آنان، در اشک چشمانشان نیز هویدا است. شاید چنین تصویر ظریفی به خصلت زنانه وی مرتبط باشد؛ زیرا زنان بهتر از مردان احساسات و عواطف خود را نشان می‌دهند و گریه می‌کنند در نتیجه، راحت‌تر می‌توانند تعبیر دقیقی را از آن ارائه دهند.

در سروده «مسیح القرن العشرين» ترکیب بی‌تابی زرد «الهلَّعُ الأصْفَرُ»، بیانگر ضعف و اندوه توأم با نومیدی است که در چشمان شاعر حلقه زده. وی با آوردن رنگ زرد که معنای منفی را با خود به همراه دارد، در کنار جزع و ناله، به اوج ضعف و نومیدی در وجود خود اشاره می‌کند:

«وَدُمُوعُ صِغَارِي الْأَحْبَابِ / وَالْهَلَّعُ الْأَصْفَرُ فِي عَيْنِي / أُمِّي وَأَبِي / أَخْتِي وَأَخِي / وَدُمُوعُ الْحُرَقَةِ فِي عَيْنِي  
زَوْجِي / تَجِدْبُنِي تَجِدْبُنِي تَجِدْبُنِي.» (حبش، ۱۹۹۷: ۳۸)

شاعر در این عبارت، به کمک شاخصه روان رنجور که یکی از ویژگی‌های زنانه وی است، تصویری ناب را ارائه می‌دهد. او، با ترکیب «تشویش زرد رنگ»، بعد از «اشک کودکان خردسال»، به نهایت شکنندگی احساسات زنانه اشاره کرده و با آوردن واژه «زوجی» بر این نکته صحه می‌گذارد که سراینده این چکامه دردناک، یک زن است.

رنگ زرد، در مطالعات روان‌شناسی، رنگی دوپهلوی و دارای دلالت‌های مثبت و منفی است که در اشعار «زینب حبش» نیز جنبه منفی این رنگ از قبیل پژمردگی، ناامیدی و اضطراب روحی فلسطینی‌ها نمود یافته و شاعر از دلالت رمزی رنگ زرد برای تبیین مفاهیم مثبت خودداری کرده است. او از این رنگ غالباً برای بیان مفاهیمی استفاده کرده که دیگر بانوان نویسنده فلسطینی از آن بهره گرفتند اما برخی از آنان، رنگ زرد را برای مفاهیمی آورده‌اند که «زینب حبش» بر اساس بافت مفهومی اشعار خویش قادر به استفاده از آنها نبود؛ یکی از این مفاهیم، «ترس» است که «سحر خلیفه» آن را با استفاده از این رنگ بیان نموده: «قال

کارکرد نمادین رنگ‌واژه‌ها در نوشتار زنانه «زینب حبش»

بدهشۀ: أبوی مجید! فشہقت الأمُّ واصفرَّ الأبُّ ووقفَ لیفتحَ البابَ» (خلیفہ، بی تا: ۸۴). مفهوم دیگر، «خواری و بی‌اعتباری» است که «سحرخلیفہ» برای بیان آن از این رنگ بهره جستہ: «إبتسم أبو صابر ابتساماً صفراء.» (خلیفہ، ۱۹۷۶: ۵۰) هرچند «زینب حبش» در صدد است تا از رنج‌های فلسطینیان سخن بگوید، اما بر این باور است کہ آنان ترسو، بی‌اعتبار و ذلیل نیستند و از این رو، اشعار خویش را به این سمت سوق نمی‌دهد.

### ۳-۷. رنگ نقره‌ای

رنگ نقره‌ای، رنگ ماه است کہ همواره در حال تحوّل می‌باشد و بر پیشرفت، خوشبینی و آرزو دلالت دارد (حمدان، ۲۰۰۸: ۹۷). این رنگ در اشعار «زینب حبش»، کمترین بسامد را نسبت به دیگر رنگ‌ها دارد. حوادث خونین فلسطین و شرایط اسفبار جامعه شاعر، مجالی برای ظهور این رنگ کہ نمادی از روشنی، امیدی و پاکی است فراهم نکرده و سبب شده تا وی، از این رنگ تنها ۴ بار استفاده داشته باشد. او در سروده زیر، ترکیب «حَبِّي الْفِضِّي» را به‌کاربرده کہ هدف وی از کاربرد چنین ترکیبی، برده برداری از عشق خالص و ناب خود نسبت به برادرش است؛ به همین جهت، رنگ نقره‌ای در این شعر، رمزی از پاکی و خلوص است:

«شِفَاهِ أَخِي الشَّهِيدِ / تُقَبَّلُ الْأَحْلَامَ فِي قَلْبِي / وَتُدْمِينِي / تُلَوُّنُ حَبِّي الْفِضِّي / بِالْحُزْنِ الْمَدْمِيِّ.»  
(حبش، ۱۹۹۴: ۱۶)

نقره، فلزی بسیار سانا و قابل انعطاف با قابلیت بالایی از بازگرداندگی نور است کہ این سه ویژگی، برای موضوعی مانند عشق بسیار حیاتی می‌باشد. این شاعر با جزئی‌نگری خود در موضوع عشق و نگاه زنان به این موضوع، رنگ نقره‌ای را برای عشق در نظر گرفته است؛ هرچند کہ در ادامه، این عشق را در هاله‌ای از اندوه جانکاه می‌داند.

«زینب حبش» در سروده زیر از رنگ نقره‌ای برای بیان مفهومی مثبت و رمزگونه بهره برده است. در این سروده، رنگ نقره بر صداقت، طهارت و پاکی برادر شهیدش دلالت دارد:

«یا أحمد الفضيّ / یا لون أغنيتي النقيّة / یا دموع الكبرياء.» (حبش، ۱۹۹۹: ۱۳)

شاعر، در قطعه شعری بالا برای خود شهید، رنگ نقره‌ای را برگزیده و در ادامه، همین رنگ را رنگ آوازه‌های خود می‌داند. او بر آن عقیده است که در شهید و نغمه‌های سروده شده برای او میزان بالایی طهارت، پاکی و خلوص وجود دارد. «حبش»، همه چیز را رنگی می‌بیند و احتمالاً از این طریق در پی آن است که به مخاطب بفهماند هر چیز یا هر کس با توجه به کارکردش در این جهان، رنگی به خود می‌گیرد تا از غیر خود متمایز گردد. «فدوی طوقان» نیز مفهوم «پاکی و خلوص» را با استفاده از این رنگ، چنین ابراز داشته: «أحلامه الفضیّة انتشرت علی الأفق الشّیفِ بیضاً كأحلامِ نقیّاتٍ.» (طوقان، ۱۹۹۳: ۸)

### ۳-۸. رنگ آبی

«زینب حبش» همه چیز را اعمّ از نیک و بد، رنگین می‌بیند؛ اما از رنگ آبی، در هیچ جمله‌ای استفاده نکرده که دلیل آن می‌تواند منفوربودن این رنگ در ادبیات عرب باشد؛ این رنگ پس از رواج اسطوره «زرقاء یمامه» به عنوان نشانه دشمن قلمداد شده است (الیاقوت، ۲۰۱۸: ۳۰)؛ برخی دیگر نیز عرب‌های چشم آبی را انسان‌هایی دروغگو، بدیمن و شرور خوانده‌اند (الحطاب، ۲۰۰۳: ۸۵). بانوان فلسطینی دیگری که به دفاع از فلسطین پرداخته‌اند، از این رنگ برای شناسایی دشمن استفاده کرده‌اند؛ مانند «سحر خلیفه» که در این مثال، سرباز دشمن را «چشم آبی» می‌خواند: «إبتسم بإعیاء فتلقی نظرةً تحذیریةً من العینین الزرقاوین.» (خلیفه، ۱۹۷۶: ۱۷) «احمد مختار عمر» بر این اعتقاد است که این رنگ در میان یهودیان مقدّس به شمار می‌آید (عمر، ۱۹۹۷: ۱۶۴). این رنگ، درجات زیادی دارد؛ آبی کم رنگ بر وقار، آرامش، حکمت، صداقت و... دلالت دارد اما آبی پررنگ نشانه اندوه، ترس، مرگ و... است (حمدان، ۲۰۰۸: ۵۱). با این وجود، برخی دیگر از بانوان ادیب فلسطینی از این رنگ، برای تبیین مفاهیم مختلفی استفاده نمودند. اولین مفهوم، «زیبایی» است که «لیلی الأطرش» از این رنگ استفاده کرده: «جمیلةٌ، نقیّةُ البشرةِ وعیناها بزرقه البحر» (الأطرش، ۱۹۸۸: ۶۳). دیگر مفهوم، «درد و رنج» می‌باشد که «نبال قندس» از این رنگ برای

کارکرد نمادین رنگ‌واژه‌ها در نوشتار زنانه «زینب حبش»

بیانش بهره برده است: «لون الحزن أزرقُ هذا ما اكتشفته في الصباح حين نظرتُ إلى وجهي في المرآة» (قندس، ۲۰۱۴: ۶۰). او در ادامه می‌گوید: «ليس لطيفاً كلونِ السماءِ والبحرِ، بل قاتمٌ جداً كلون الكدَمات» (همان: ۶۱). «رجاء بکریة» از این رنگ برای «زوال زیبایی» استفاده کرده است: «أما الزَّرْقَةُ الكالِحَةُ فهي من نصيبِ الشَّتاءِ.» (بکریه، ۲۰۰۷: ۱۳) مفهوم بعدی «پناهندگی» است که «سحر خلیفه» به این موضوع اشاره می‌کند: «هل تعرفُ الخبزَ الأزرقَ؟ الرِّفاق يعملون وأنت تتحدَّث عن الخبزِ الأزرقِ؟» (خلیفه، ۱۹۷۶: ۸۶) مفهوم دیگر «امید به آینده روشن» است که «فدوی طوقان» آن را بیان نموده: «وهفت الحماة الزَّرقاء في طهر السَّماء.» (طوقان، ۱۹۹۳: ۱۵۲)

با وجود چنین مفاهیمی، «زینب حبش» از این رنگ بهره‌ای نگرفته تا این موضوع به اثبات رسد که وی به پیروی از پیشینیان خویش، این رنگ را نمادی از شرارت و دشمنی می‌داند و هیچ نامی از دشمنان به میان نمی‌آورد. او یکی از شیوه‌های ابراز حسّ انزجار نسبت به غاصبان را در عدم ذکر رنگشان می‌داند تا محکوم به نیستی، بی‌ارزشی و بی‌اعتباری شوند. رنگ گرچه می‌تواند بازتاب بازتاب دهنده واقعی دنیای بیرون باشد، همواره چنین کارکردی ندارد و گاه «زائیده کیفیت درک انسانهاست.» (بیرن، ۱۳۷۳: ۱۰۹) با توجه به کاربرد رنگ‌ها در شعر «زینب حبش»، می‌توان به جدول زیر دست یافت:

رنگ	سرخ	سیاه	سبز	سفید	گندمی	زرد	نقره‌ای	آبی
کاربرد صریح	۷۰	۴۰	۳۱	۳۰	۲۲	۵	۴	۰
نوع کار برد	مثبت	منفی	مثبت	مثبت	منفی	منفی	مثبت	۰
درصد	۳۴/۶۵	۱۹/۸۰	۱۵/۳۴	۱۴/۸۵	۱۰/۸۹	۲/۴۷	۱/۹۸	۰

بر اساس جدول بالا، ۶۶/۸۲ درصد از رنگ‌های به کار گرفته شده در اشعار این شاعر، کارکردی مثبت داشته و ۳۳/۱۸ درصد از آن‌ها در جهت تبیین مفاهیمی منفی هستند. اگر صفحه اشعار شاعر در دو رنگ

سیاه (بدبینی) و سفید (خوش بینی) تصوّر شود، می‌توان گفت که خوشبینی شاعر نسبت به بدبینی‌اش، دوبرابر است.

### نتیجه‌گیری

- در اشعار «زینب حبش»، تصویرگری انقلاب‌های خونین، عملیات شهادت طلبانه و کشتار دسته‌جمعی فلسطینیان، ایثار، خیزش و قیام، از اولین دغدغه‌های او بوده و از رنگ سرخ برای عینی‌ساختن این وضعیت، استفاده کرده‌است. طولانی‌شدن اشغال فلسطین، اوضاع نامساعد سیاسی-اجتماعی، ظلم، وحشت، بی‌عدالتی، ناامیدی و خفقان حاکم بر جامعه، موجب ظهور چشمگیر رنگ سیاه در اشعار وی شده همچنین موضوعاتی مانند صلح، آرامش، عدالت، آزادی، استقامت و آینده روشن، مفاهیم دیگری است که برای تبیین آنها، از رنگ سبز بهره گرفته است. مفهوم دیگر، روشن نگه‌داشتن نور امید در دل فلسطینیان می‌باشد که شاعر برای بیان آن، از رنگ سفید استفاده نمود. زندگی «زینب حبش» در فضای سیاسی بسته و پدیدآمدن تفکرات منفی، نگرانی‌ها و اضطراب‌های بسیار، باعث شد تا این دو رنگ در اشعار او کاربرد کمتری نسبت به رنگ‌های سرخ و سیاه، داشته باشد. اما شاعر با استفاده از این دو رنگ، قصد دارد روحیه امید، پایداری و مقاومت را در دل هم‌وطنانش زنده نگه دارد. هویت فلسطینیان و سرزمینشان، مفهوم مهم دیگری است که شاعر برای بیان آن از رنگ گندمی بهره گرفته؛ وی با استفاده از این رنگ سعی می‌کند هویت ازدست رفته فلسطینیان را احیا نماید. پژمردگی، ناامیدی و اضطراب روحی از مفاهیم مهم دیگری است که «زینب حبش» برای بیان آن از رنگ زرد استفاده نموده است. این رنگ، نسبت به رنگ‌های دیگر، فراوانی کمتری را در اشعار شاعر دارد و وی صرفاً به بیان جنبه منفی آن بسنده کرد و از به‌کاربردن جنبه‌های مثبت این رنگ از جمله شادمانی و زنده‌دلی خودداری نمود؛ در واقع، تراژدی اشغال فلسطین و رنج مردم این سرزمین، مجالی برای ظهور گسترده این رنگ به همراه جنبه‌های مثبت آن به وی نداده است. معصومیت، پاکی و بی‌گناهی فلسطینیان آخرین مفهوم مورد نظر شاعر است که برای بیان آن از رنگ قره‌ای استفاده نمود.

- زینب حبش غالباً از رنگ‌ها برای القای مفاهیم مثبت استفاده نموده؛ تا آنجا که نسبت کاربرد مثبت رنگ‌ها به کاربرد منفی آن‌ها تقریباً دو برابر و بیانگر مثبت‌اندیشی شاعر است. او از میان رنگ‌های اصلی، به ترتیب فراوانی از رنگ‌های سرخ، سیاه، سبز، سفید و زرد استفاده کرده اما به هیچ وجه، از رنگ آبی بهره نبرد؛ زیرا به این رنگ، نگاهی منفی دارد و آن را نماد اشغالگران می‌داند که از آنان متنفر است و موجودیتی برایشان قائل نیست. دو رنگ گندمی و نقره‌ای علی‌رغم بسامدی اندک، کارکردی بسیار دقیق در نگارگری شاعر داشته و رنگ و لعابی تازه به تابلوهای شعری وی بخشیده‌اند. شاعر در ترکیب رنگ‌ها، کاربرد واژه‌های هم‌نشین رنگ‌ها و جزئی‌نگری در رنگ‌آمیزی صحنه‌ها، ردپایی از زنانگی خود بر جای گذاشته که نمی‌توان از آن چشم پوشی کرد. وی در پاره‌ای از موارد، با ذکر واژگانی که مختص فرهنگ زنانه می‌باشد، نوشتار زنانه خود را برجسته کرده است.

- زینب حبش از رنگ‌ها برای بیان مفاهیم ادبیات پایداری استفاده کرده و می‌توان در این خصوص، وی را «بی‌حاشیه» نامید؛ زیرا نویسندگان و شاعران زن فلسطینی بی‌هیچ محدودیتی از رنگ‌ها برای دلالت مقاصد خویش بهره گرفته‌اند؛ اما زینب حبش صرفاً از آن برای رنگ‌آمیزی تابلوی انقلاب استفاده کرده تا حدی که اگر قرار باشد به وسیل رنگی، مفهومی مخالف با مفاهیم مد نظر وی بیان شود، از استعمال آن اجتناب می‌ورزد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. زن سوئدی که با یکی از مبارزان فلسطینی ازدواج کرد و دوشادوش همسر خود در مبارزات ضد صهیونیستی در انتفاضه مشارکت داشت.





### **Acknowledgements**

We would like to express our thanks to reviewers for their valuable suggestions on an earlier version of this paper.

### **Declaration of Conflicting Interests**

The author(s) declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship and/or publication of this article.

### **Funding**

The author(s) received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.

### **REFERENCES**

- Abusharar, B., (Not date), "Dura", Cairo, Egypt: Al-Hilal's narrations.  
.....(Not date), Shohab men Wadi Rom, Cairo, Egypt: Al-Hilal Narayatas.  
Ishaqian, J., (2016), A reflection on the wanderings of postmodern Shahrazad Simin Daneshvar", Tehran: Gol Azin.  
Eskandarnia, N., Rovshan, B., najafian, A. (2018). *"Morphological and Semantic Analysis of Color Terms in the Georgian Language of Fereidoun-Shahr: A Cognitive Approach.* Journal of Western Iranian Languages and Dialects, Vol 6, No 20, pp 1-22.  
Al-Atrash, L., (1988), The Women of Al-Fusol Al-Khamsa, Beirut, Lebanon, Al-Arabaya Foundation for Research and Studies.  
O'Gridy, W., (2014), Introduction to Contemporary Linguistics, translated by Ali Darzi, Tehran: Samt.  
Badr, L., (1980), Bosla Man Ajl Ibad Al-Shams, 2<sup>th</sup> edition, Nablus, Palestine: Al-Wahda School.  
.....,(<sup>1991</sup>) Aayn al-Martaa, 1<sup>th</sup> edition, Maghreb: Dartobqal.  
Bakriyya, R., (2007), The Message of the Prophet, 1<sup>th</sup> edition, Beirut, Lebanon: Dar al-Adaab Lelanshar and Al-Tawzi'ah.  
..... (Not date) Awa Zakera, Department of Arab Culture and Arabic Section of the People's Cultural Council.  
Pahlavan, H., (2007), Psychology of Colors in Quran and Hadith, Hadith Andisheh Magazine, Vol 3, No 6, pp. 121-133.  
Pourhosseini, M., (2012), The Meaning of Color, Tehran: Jonar Abi.  
Habash, Z., (1993), Quli le Raml, 1<sup>th</sup> edition, Quds: Dar al-Katb.  
..... ,(1994) Al-Jarh al-Felstini wa Bra'am al-Dam", Quds: Dar al-Katb.  
..... ,(1996) La Taqoli Mat Ya ommi", Quds: Dar Al-Kateb.  
..... ,(1997) Hafaro Mozkarati Ala Jasadi", Ramollah: Al-Anqa.  
..... ,(1999) Le annaho Watani", Ramollah: Matbah Al-Mustagbal.

**The symbolic function of colors and words in the female writing of "Zeinab Habash." [In Persian]**

---

Hamdan, A., (2008), Treatise on the signifiers of colors in the poetry of Nazzar Qabbani, Nablus: Jamia al-Najah al-Watiyeh.

Khalifa, S., (1976), Al-Sabbar, Beirut, Lebanon: Dar al-Adaab.

..... (Not date) Rabih Har, , Ramallah, Palestine: Ugharite Cultural Center Publications.

Khushgadam, Y., (2018), "*Feminine Style in Contemporary Fiction Literature*", Contemporary Persian Literature, Vol 7, No 3, pp 93-124.

Diy, J., (2007), Psychology of Color, translated by Mehdi Ganji, Tehran: Savalan Publishing House.

Al-Zawahera, Z., (2008), Al-Lown and Dalalate fi al-She'ar, "Al-Jordanian poetry as a model", Jordan: Dar Al-Katib al-Arabi.

Tughan, F., (1993), Al-Amaal al-Sheriyyah al-Kamela", Omman: Dar Al Fars for Publishing and Distribution.

Sorahi, M. (2014). "*Cognitive Study of Color Metaphors in Persian*". ZABANPAZHUI (Journal of Language Research), Vol 6, No 11, pp 97-118. doi: 10.22051/jlr.2014.1093

Abou, Faraj, (1982), The science of the elements of Al-Lohn, Milan: Dar Dekfan

Omar, A., (1997), Al-Loghah and Al-Loon", 2<sup>th</sup> edition, Cairo: Alam al-Kotob.

Fayyaz, Ebrahim and Zohreh Dari, (2007) "*Feminine voice in Iran's Contemporary Literature*". Woman in Development & Politics, Vol 4, No 4, pp. 23-51.

Ghaemi, M., (2012). "*A Study of Color Use in Mahmoud Darvish's Portrayal of Palestine Resistance*". Journal of Resistance Literature, Vol 1, No 2, pp 261-287. doi: 10.22103/jrl.2012.283 –

Gundes, N.I, (2014), Yaffa story of absence and rain, Beirut, Lebanon: Dar Al-Arabiya Lululum Nashrun.

Lusher, M., (2006), Psychology of colors, translated by Vida Abizadeh, 18<sup>th</sup> edition, Tehran: Dersa.

Najm Iraqi, M., (2003), Women and Literature, Tehran: Chashmeh Publishing.

-Nikmanesh, M., & Borjikhani, M. (2013). "*The Influence of Feminine Writing in the Book 'Da'*". ZABANPAZHUI (Journal of Language Research), Vol 4, No 8, pp 229-253. doi: 10.22051/jlr.2013.1019.

Nikobakht, N., (2004), "*Symbolic Fields of Color in Contemporary Poetry*", Kerman, Shahid Bahonar University Faculty of Literature and Humanities Journal, No18, pp44-67.

Hant, R., (1999), Seven keys to color therapy, Tehran: Jamal al-Haq.

Al-Yagot, S., (2018), Meanings of colors in language, culture, and art, Master's treatise: Abi Bakr Balqa community of Talmsan.

Yule, G. (2016), Examination of Language, translated by Ali Bahrami, Tehran: Samt.